

صلح طلبی، یا برخورد انفعالی؟



سفارت پادشاهی عربستان سعودی در تهران بولتنی منتشر می‌کند و برای تمامی رسانه‌های گروهی، و شاید سازمانها و افراد دیگری هم، می‌فرستد.

در شماره ۳۸ این بولتن متن بیانیه مطبوعاتی پنجاه و پنجمین اجلاس وزرای شورای همکاری خلیج فارس، یا به شرحی که در عنوان فارسی این بولتن آمده «شورای همکاری کشورهای عربی خلیج» چاپ شده است.

روی صفحه نخست این بولتن عنوان مطلب یا مطالب هر شماره به دو زبان فارسی و عربی چاپ می‌شود. در شماره مورد بحث، که فقط به انعکاس بیانیه مطبوعاتی فوق‌الذکر اختصاص یافته، به زبان فارسی نوشته شده «بیانیه مطبوعاتی صادره توسط پنجاه و پنجمین دوره اجلاس وزارتی شورای همکاری کشورهای عربی خلیج» و به زبان عربی نوشته شده

البيان الصحفی

المصدر عن الدورة الخامسة والخمسين للمجلس

الوزرای

لمجلس التعاون لدول الخليج العربیه

در همین بولتن که در تهران، مرکز کشور ایران، چاپ و آزادانه توزیع شده، آن قسمت‌های بیانیه وزرای کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس که به ایران ارتباط دارد به این شرح انعکاس یافته است:

... «آنگاه اجلاس وزیوان روابط میان کشورهای شورای همکاری، و جمهوری اسلامی ایران، و مسئله اشغال جزایر سگانه [سه گانه] تنب بزرگ و تنب کوچک و ابوموسی متعلق به کشور امارات عربی متحده را مورد بررسی قرار داد.

و بلحاظ عدم همکاری ایران با پیشنهادات جدی و

صادقانه اعلام شده از سوی کشور

امارات عربی متحده بمنظور

دستیابی به یک راه حل

مسالمت آمیز برای این مسئله ابراز

تأسف نمود. و همچنین نسبت به

مبادرت دولت ایران به ادامه

اتخاذ اقداماتی در راستای تحکیم

اشغال جزایر سگانه [سه نانه] که

بمنزله نفی حاکمیت کشور امارات

عربی متحده بوده، و برخلاف مقررات بین‌المللی و منشور

کنفرانس اسلامی، و اصل حسن همجواری و احترام به

حاکمیت ارضی کشورهای منطقه می‌باشد. و اجلاس

مجدداً مواضع راسخ خود را در حمایت و پشتیبانی از

کشور امارات عربی متحده اعلام، و بر حاکمیت این کشور

بر جزایر خود تنب بزرگ و تنب کوچک و ابوموسی تأکید

می‌ورزد، و مجدداً حمایت کامل و تأیید همه جانبه خود را

از تمامی اقدامات و شیوه‌های مسالمت آمیز بعمل آمده

توسط این کشور بمنظور استرداد حاکمیت خود بر جزایر

سگانه [سه گانه] مورد تأکید قرار داده، و از ایران

درخواست می‌نماید نسبت به ارجاع مسئله به دادگاه

بین‌المللی موافقت نماید...»

با آنکه در اصالت تاریخی نام خلیج فارس جای

هیچ تردیدی نیست، معیناً حدود دو سال قبل سازمان

ملل متحد سندی صادر کرد که در آن از همه ممالک

جهان، از کلیه سازمانهای رسمی و غیررسمی، و

سرانجام از همه جهانیان خواسته شده بود در مکاتبات،

اسناد، مبادلات خبری، تجارتي، فرهنگی و آثار

تحقیقاتی نسام خلیج واقع در جنوب ایران را

«خلیج فارس» ذکر کنند.

«خلیج فارس» و نه «خلیج» به تنهایی

اما عجبا، و شگفتا، و درینفا که در پایتخت کشور

ایران، بخش مطبوعاتی یک سفارت به خود اجازه

می‌دهد در نگارش فارسی خود خلیج فارس را فقط

«خلیج» ذکر کند و در نگارش عربی بنویسد «الخلیج

العربی»، و وزارت خارجه، وزارت ارشاد، مجلس،

متولیان میراث‌های ملی و فرهنگی و نگهبانان حاکمیت و

استقلال کشور هیچگونه واکنشی نشان ندهند. (اگر هم

واکنشی نشان داده شده، آنقدر محتاطانه بوده که

دست‌اندرکاران وسایل اوتسباط چسبی نیز از آن

بی‌خبرند!)

●●●●

در میانه سلطنت محمدرضا پهلوی یکی از بدترین

رویکردهای تاریخی قرن اخیر ایران اتفاق افتاد.

استعمارگر از نفس افتاده بریتانیا می‌رفت تا جای

خود را به استعمارگر تازه نفس آمریکا بدهد و برای

آنکه منافع دراز مدت خود را حفظ کند، علی‌رغم

سوابق مسلم تاریخی، تقسیم‌بندی جدیدی را در

سرزمین‌ها و جزایر واقع در متن و حاشیه خلیج فارس

ایجاد کرد.

ما هم اکنون شاهد نمایش یک سریال تحقیقی-

تاریخی مربوط به دوران حکومت شاه عباس اول از

تلویزیون کشورمان هستیم که در قسمتی از آن سردار

معروف شاه عباس- امامقلی خان- برای باز پس گرفتن

بحرین از اشغالگران پرتغالی به این سرزمین لشکر

می‌کشد و از مساعدت ناوگان انگلیسی نیز بهره می‌گیرد.

اسلاف همان انگلیسی‌هایی که بحرین را یک

سرزمین ایرانی می‌دانستند و بعدها جای اشغالگران

پرتغالی را گرفتند، در نیمه دوم قرن بیستم فرزانروی

فرمایشی در این سرزمین ترتیب دادند که به دنیا اعلام

کنند بحرینی‌ها خود خواهان استقلال هستند، و اگر

بریتانیا در خاتمه دوره حکومت استعماری بر این

سرزمین، در آن حکومتی محلی برجای می‌گذارد،

ناشی از تمکین به خواست اهالی آن است!

حکومت نابخرود وقت ایران که برای حفظ اقتدار

دیکتاتوری خود با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و فداکردن

نهضت ملی ایرانیان دست خویش را برای همیشه زیر

ساطور قدرت‌های غربی قرار داده بود این فرزانردوم

فرمایشی را پذیرفت و بر نتیجه از پیش معلوم شده آن

صحه گذاشت.

اما به موجب همان زد و بندهای استعماری و مردود

از نظر مردم ایران، مالکیت ایران بر جزایر تنب بزرگ و

کوچک و ابوموسی مورد انکار هیچ دولت، سیاستمدار

و سازمانی قرار نگرفت و ایرانیان با چشمی پر حسرت و

قلبی پر خون این تقسیم‌بندی را نظاره کردند.

اینکه، حدود چهار دهه پس از آن بند و بست ننگین، کارگزاران استعمارگر تازه نفس در حرکتی بی‌مقدمه، و به مصداق دیدن لا، و نادیده گرفتن اله الله، جزایر تب و ابوموسی را سرزمین‌های عربی می‌دانند.

در این معادله یک نکته از نظر این حکام کوتاه‌بین دور مانده است؛ این نکته که اگر شرایط جغرافیایی کنونی خلیج فارس مورد اعتراض باشد، این اعتراض از سوی ملت‌های دیگر و برای سرزمین‌های دیگری- غیر از تب‌ها و ابوموسی- نیز می‌تواند مطرح باشد.

اگر قرار باشد جهان بار دیگر به دوره‌ای از تاریخ بازگردد که ادعاهای ارضی بهانه تنش‌های منطقه‌ای و جهانی شوند، موضوع و بهانه برای بسیاری از ملت‌ها فراهم است. مثلاً فرانسه می‌تواند مالکیت خود بر لوئیزیانا در ایالات متحده و کبک در کانادا را مطرح کند. آلمان می‌تواند بار دیگر منطقه آلتزاس را از فرانسه

سر بازیگه‌ای مرزی پرروی هم اسلحه کشیدند، و هم اکنون نیز مناقشه دو کشور بر سر همین یک تکه بیابان حالت آتش زیر خاکستر را دارد.

واقعیت این است که حکام کوتاه بین عربستان و امارات سرنوشت آخرین شاه ایران را فراموش کرده‌اند. و چون مانند بقیه حاکمان حاکمیت خود را ابدی می‌بینند فقط اخبار مثبت مطبوعات غرب را دربار خود می‌خوانند و توجهی نمی‌کنند نوشته‌هایی نظیر آنچه نشریه جیتر دیفنس ویکلی در مورد ایشان نوشته می‌تواند زنگ خطری برای آنها باشد. این نشریه نوشته است: «عربستان سعودی و سایر اعضای شورای همکاری خلیج فارس به سوی یک قیام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که در آن بقای سلطنت آنان در خطر نابودی خواهد بود، سوق داده می‌شوند، مگر آنکه اقدامات قاطعی صورت پذیرد.»

چرا باید حجم عظیمی از تجارت ما با امارات متحده عربی و عربستان سعودی باشد؟

بخواهد. اسپانیایی‌ها مدارک فراوانی دارند که کالیفرنیا و نیومکزیکو متعلق به ایشان بوده است. ایران می‌تواند بر پیوستگی تاریخی افغانستان، بحرین، سرزمین‌های قفقاز، بخش‌هایی از آسیای میانه و حتی قسمتهایی از عراق به سرزمین خود استناد کند و...

اما ظاهراً جهانیان به این تفاهم رسیده‌اند که دعوای کهنه ارضی را بهانه تشنج آفرینی قرار ندهند.

اکثریت دول جهان این قاعده را رعایت می‌کنند جز ابرقدرت آمریکا و کارگزارانش در این سو و آن سوی جهان، و بویژه در منطقه خلیج فارس. آخرین تحرک از این نوع همین ادعای مالکیت امارات متحده بر جزایر سه گانه ایرانی است. امارات متحده‌ای که رهبران فراموش می‌کنند دولتی جدید الولاده و بی‌ریشه‌اند و اگر قرار باشد ادعاهای ارضی، مستندی برای معارضه باشد، ایشان بیشتر از دیگران از چنین مستمسکی آسیب می‌بینند.

سیاستمداران بی‌سیاست عربستان و امارات متحده عربی فراموش کرده‌اند اینگونه ادعاهای ارضی چه عواقب فاجعه‌باری دارد. آنان فراموش کرده‌اند ادعاهای ارضی عراق بر ایران و کویت چه مصیبتی برای مسلمانان در پی داشت و تا چه حد موجب وابستگی عمیق‌تر ایشان به آمریکا و متحدان آن شد. و عجب‌ا که رهبران عربستان و امارات در حالی از حل و فصل دوستانه موضوع جزایر سه گانه سخن می‌گویند که خود شاهد بودند حدود یک سال پیش عربستان سعودی و قطر بر

۶۶/۳ درصد ذخایر نفت جهان در ۵ کشور حوزه خلیج فارس (عربستان سعودی، عراق، کویت، امارات متحده عربی و ایران) نهفته است. ایران با ۲۰/۷ تریلیون متر مکعب، قطر با ۷/۱ تریلیون متر مکعب، امارات متحده عربی با ۵/۵ تریلیون متر مکعب و عربستان سعودی با ۵/۳ تریلیون متر مکعب ذخیره منابع گازی مقام دوم، سوم، چهارم و پنجم را از حیث ذخایر شناخته شده گاز در جهان دارا هستند. مقام اول از لحاظ ذخایر گاز را شوروی (با ۴۸/۵ تریلیون متر مکعب و مقام ششم را ایالات متحده آمریکا (با ۴/۷ تریلیون متر مکعب) دارا هستند. (۱)

تا زمانی که این حجم عظیم انرژی فسیلی در اعماق سرزمین‌های این منطقه نهفته است، یعنی تا پایان استخراج و غارت این منابع، چپاولگران جهانی همواره کانون‌های آشکار، نیمه آشکار و پنهان بحران در این بخش از کره زمین را فعال نگاه خواهند داشت.

ما زیر تأثیر جبرهایی هستیم که طبیعت و تاریخ به ما تحمیل کرده‌اند، اما هم طبیعت و هم تاریخ به ما امتیازهایی داده‌اند، و درس‌هایی آموخته‌اند که در صورت شناسایی و بهره‌برداری صحیح از آنها می‌توانیم تأثیر آن جبرها را خنثی کنیم، مستقل بمانیم، تمامیت ارضی خویش را از تعرض دیگران مصون بداریم، و در مسیر پیشرفت و تکامل گام برداریم.

تعمیم این بحث نه در حوصله مقاله‌ای محدود است، و نه هدف این نوشتار. اما از نوشتن چند جمله‌ای ناگزیریم:

تفکر حاکم بر سیاست خارجی ما تفکری است که با واقعیات حاکم بر سیاست جهانی و شرایط منطقه همخوانی ندارد.

این که هر از چندگاه یکی از قدرتهای سرسپرده منطقه نغمه‌ای در ضدیت با منافع ملی ایرانیان ساز کند و ما با صدور اعلامیه‌ای آن را پاسخ گوئیم تضمین‌کننده منافع دراز مدت ملت ما نیست. یک خطر بالقوه چنین روشی آن است که ادامه این روند موجب خواهد شد مدعیان مورد بحث در آینده دامنه ادعاهایشان را وسعت بخشند.

وقتی شیوخ و حکام منطقه مدعی مالکیت بخش‌هایی از سرزمین ما می‌شوند چه سود که از یک سو اعلامیه صادر کنیم و ادعاهای ایشان را مردود بدانیم، اما از سوی دیگر حجم وسیعی از تجارت خارجی خویش را به طور مستقیم و غیرمستقیم از طریق سرزمین‌های تحت حاکمیت ایشان انجام دهیم؟

امید آنکه مقامات اقتصادی کشور اتکار نکنند که بسیاری از مبادلات بازرگانی ما مستقیماً یا مع‌الواسطه از طریق همین امارات می‌آمده و می‌آید.

این زینهار زیرکانه‌ای است که اگر حکام مزبور مفهوم واقعی آن را درک کنند بجای زمینه‌چینی برای ایجاد یک کانون جدید تشنج در منطقه، می‌کوشند دست کم روابطی مسالمت آمیز با همسایگان خود برقرار کنند.

اما این حکام کوتاه‌بین هستند و چون کوتاه‌بینند نتیجه تشویق صدام حسین به حمله به ایران و سپس به کویت را فراموش کرده‌اند.

این حکام کوتاه‌بین قادر به درک این واقعیت پیش‌پا افتاده نیستند که همان دسیسه گرانی که امروز به ایشان جرأت می‌دهند ادعای مالکیت بر سه جزیره ایرانی را مطرح کنند، فردا، آن زمان که منافع و مصلحتشان ایجاب کند، دیگران را وخواهند داشت که نسبت به سرزمین ایشان، و یا حتی به قدرت و حاکمیتشان مدعی شوند.

ایسند مدعیان دفاع از منافع امت عربی، آنقدر بی‌حیثیت و خود باخته‌اند که در همه امور دخالت می‌کنند جز سرنوشت دردناک میلیون‌ها عراقی که گرسنگی می‌کشند و از بی‌دوایی می‌میرند تا تاوان بازی خوردن صدام حسین جاه طلب و سرسپردگی زحمای کشورهای عربی را بپردازند، تا منافع غرب در منطقه محفوظ بماند، تا جریان نفت ارزان به سوی غرب سرازیر باشد، تا منشی ثروتمند و حاکم زیر سایه لوله توپ‌ها و بال هواپیماهای غارتگران غریبی به شادخواری خویش ادامه دهند.

●●●●

و امید آنکه کسی تا این حد پیش نرود که درصدد نفی این واقعیت برآید که بسیاری از دلارهایی که تجارت پیشگان مال اندیش با سوء استفاده از سالهای بحرانی جنگ، و شرایط ناشی از اجرای سیاست آزادسازی اقتصادی نصیب برده‌اند در بانکهای امارات انباشته شده است تا برای واردات قاچاق و غیرقاچاق کالا به کشور مورد بهره‌برداری قرار گیرد. مگر نه اینکه همین اخیراً اعلام شد طی یکی دو ساله اخیر بین ۶ تا ۸ میلیارد دلار کالای قاچاق وارد کشور شده که بخش عمده آنها از همین امارات آمده است؟

آمار مبادلات بازرگانی کشور در پانزده ماه از سال گذشته که در دهه اول تیر جاری منتشر شد حاکی از این بود که پس از آلمان، ایتالیا، ژاپن و بلژیک امارات متحده عربی که هیچ کالای تولیدی صنعتی و یا محصول کشاورزی در خور توجه ندارد مقام پنجم در بین صادرکنندگان کالا به ایران را داشته است. بین خریداران کالاهای ایران نیز امارات متحده عربی مقام سوم پس از آلمان و ایتالیا را داشته و این آمار نشان می‌دهد که اماراتی‌ها از محل واسطه‌گیری در زمینه صادرات و واردات رسمی کشور ما چه سودهای هنگفتی که نمی‌برند؟

از طرفی مگر نه اینکه ما از همین عربستانی که خلیج فارس را خلیج عربی می‌خواند، حتی روغن نباتی وارد می‌کنیم؟

اگر ما همین سیاست تکذیب ادعاهای شورای همکاری خلیج صد در صد فارسی را در شرایطی ادامه دهیم که حجم تجارت با این سرزمین‌ها را به حداقل و حتی به صفر برسانیم، آنوقت خواهیم دید حکام این سرزمین‌ها زیر چه فشاری از جانب مردم خودشان قرار خواهند گرفت! حتی اگر ما حساسیت خود را به شرکت‌های بین‌المللی دودوزه بازه که بر تابلوهای شعباتشان در ایران، و نیز نقشه‌های مورد استفاده در این شعب عنوان خلیج فارس نقش بسته، اما در نقشه‌های مورد استفاده در شعب مستقر در کشورهای عربی عنوان الخلیج العربی به چشم می‌خورد تعمیم دهیم، و معامله با این شرکت‌ها را برای اتباع خود ممنوع کنیم، خواهیم دید چه تعداد کشورها و شرکت‌ها از این بابت ماست‌ها را کیسه خواهند کرد.

اگر ما خود را از پندارهای القاه شده در مورد نظم نوین جهانی، و قدر قدرتی آمریکا و غرب برهانیم، و به سوی شرق، به هند، ژاپن، مالزی، چین و دیگر کشورهای که با ما مشترکات فراوان دارند واقع بینانه‌تر نظر بیندازیم به حقایق تازه‌ای از معادلات واقعی جهان کنونی خواهیم رسید که بر مبنای آن می‌توانیم چنان

سیاست منسجمی را پی بریزیم که سران سرسپرده چند کشور همسایه جرأت نکنند روزی به صدام پول بدهند تا اسلحه بخرد و شهرهای ما را ویران کند و خون مردم ما را بریزد، و روز دیگر زیر سایه ناوگان بیگانه ادعای مالکیت بخش‌هایی از سرزمین ما را بکنند. (راجع به چنین مواردی در گزارش اصلی این شماره توضیحات مفصل‌تری داده شده است).

صلح طلبی و احتراز از خشونت و خون‌ریزی مقوله‌ای است، و انفعالی عمل کردن مقوله‌ای دیگر.

نسل حاضر به عنوان ایرانیانی که وفاداری به تمامی ارزشهای فرهنگی ایرانی-اسلامی را وظیفه که نه،

کیسوت‌های فاقد همان فضائل اندک دون کیسوت سروانتس تبدیل کرده، واکنش در خود نشان دهند.

زمانهایی در تاریخ فرا می‌رسد که هیچ مصلحتی برای نادیده گرفتن فرور جریحه‌دار شده یک ملت قابل توجه نیست، و شاید بتوان واکنش اخیر رئیس جمهور چین در مقابل رفتار واشنگتن را به عنوان نزدیک‌ترین شاهد تاریخی در این مورد ذکر کرد.

در تیرماه سال جاری واشنگتن از «لیدنک خوبی» رئیس حکومت تایوان دعوت و پذیرایی کرد.

چین تایوان را جزئی از خاک خود می‌داند، و با آن که در برنامه‌های توسعه خود به کمک‌ها و

سرمایه‌گذاری‌های آمریکائیکای زیادی دارد، واکنش شدید و خشن در قبال موضع واشنگتن نشان داد.

جیانگ زمین، رئیس جمهور و دبیر کل حزب کمونیست چین پس از این واقعه سخنان خشن و تهدیدآمیزی ایراد کرد که بخش‌هایی از آن چنین است:

«موافقت واشنگتن با دیدار

لیسدنک خسویی از آن کشور پایه‌های روابط چین و آمریکا را عمیقاً متزلزل کرده است.

دواشنکتن با دست زدن به

این اقدام حق حاکمیت چین را مورد تجاوز قرار داده است. چین دلایل بسیاری برای ابراز یک واکنش شدید علیه آمریکا در دست دارد.

«آمریکا سوانجام باید بپای اقدام‌های غلط خود را بپردازد.»

نشان دادن چنین واکنشی فقط مختص کشوری با ۱/۷ میلیارد جمعیت و ارتشی مجهز نیست.

کشوری چون ایران، که مردمش برای دفع آخرین تجاوز نظامی بیگانه خون صدها هزار تن از بهترین فرزندانشان را نثار کردند نیز حق دارد مغرور و سرفراز باشد و یاوه‌بافی‌های دیگران را قاطعانه جواب بگوید. هیچگونه تساهل و فلسفه‌بافی برای کوتاه آمدن در این مورد مقبول افکار عمومی نخواهد بود.



این نقشه‌ای است که در نشریه ناشنال ژئوگرافیک شماره ماه مه ۱۹۹۵ چاپ شده است. چنانکه دیده می‌شود در این نقشه نیز خلیج واقع در جنوب ایران خلیج فارس (پرشین کلف) خوانده شده است.

جای تاسف است که حکام عربستان و شیخ‌نشین‌ها به جای اعتراض به عاملین آوارگی میلیون‌ها عرب فلسطینی، و کوشش برای باز پی گیری اراضی اشغالی اعراب، می‌کوشند با نامیدن خلیج فارس به عنوان خلیج عربی، و با ادعای واهی مالکیت بر سه جزیره ایرانی، افکار عمومی اعراب را به سوی مباحث انحرافی جلب کنند و برای حامیان خود فرصت لازم فراهم آورند تا جای پای خویش را برای ادامه غارت منابع کشورهای منطقه، و از جمله نفت و گاز آن مستحکم تر کنند.

باید دید مسئولان حفظ حاکمیت و تمامیت ارضی ایران در قبال این ادعاهای واهی چه مواضعی اتخاذ خواهند کرد؟

فرضیه دانسته‌اند و می‌دانند مصرأ می‌خواهند سازمان‌های مسئول واکنش رسمی خود را در قبال آنچه در آغاز این نوشتار به نقل از بولتن سفارت عربستان سعودی در تهران ذکر شد به آگاهی افکار عمومی برسانند.

مردم ایران از رهبران دیپلماسی کشور باستانی خود می‌خواهند در برابر رفتارهای توطئه‌گرانه و گناه نوهین‌آمیز رهبران برخی از کشورهای همسایه که وجود اسلحه و سرباز بیگانه در کنارتشان آنها را به دون

۱- آمار منتشره توسط شرکت نفت B.P، به نقل از پیش شماره چهارم نشریه منعل (ارگان وزارت نفت)